

## پرونده ویژه این شماره بهارستانی‌ها

دوماهنامه جامع سیاسی، فرهنگی، علمی، صنفی و اجتماعی علم  
بسپج دانشجویی دانشگاه صنعتی سهند تبریز



# باز می‌خواهی چپی کار کنی؟!

- ۱ **سرمقاله**  
مهدی زارع
- ۱ **بچه های جهاد**  
بهشت خاکی ۹۸
- ۲ **سوت زنی؛ کابوسی برای مفسدین**  
علی سنبلی
- ۳ **داد علیه بیداد**  
کمیل نادری
- ۵ **آقای همیشه رئیس**  
صادق خسروی
- ۵ **لش تایم مجلسی**  
علی جهان محمدی
- ۵ **پله یا قلّه! دقیقاً کجایی؟!**   
سهند خرسندی
- ۶ **موسم شفافیت**  
سید امیر ایروانی
- ۶ **رأی داغ، کباب داغ**  
امیرحسین فیضی

دانشجوی قشر آگاه پیش تاز در خلاقیت های انقلابی جامعه [است]. رسالت دانشجویی این است که همچنان به صورت عنصر اصلی انقلابی جامعه باقی بماند. دانشجویان باید همچنان به عنوان حاملان پیام انقلاب و تضمین کنندگان پویایی و تحرک انقلاب باقی بمانند. دانشجو باید فرهنگ این انقلاب را روز به روز بهتر بشناسد. دانشجو باید از وقتی که پا به میدان کار می گذارد، روز به روز حساس تر باشد و حساسیتش در برابر درد جامعه روزافزون شود. دانشجو اگر امروز خودش را طوری بسازد که فردا به صورت یک عنصر پرتوقع امتیازطلب درنیاید، فردایش از امروز، برای حساس ماندن و دردها را لمس کردن، مناسب تر است. دانشجوی بریده از مردم، نمی تواند خود را خلاق یک انقلاب بیاید.

رسالت دانشجو در این است که انقلابی بماند و همچنان پیش گام و پیش تاز انقلاب باشد. این دانشجویست که باید امروز در برنامه خودسازی پیش بینی کند که چگونه خود را بسازد که به خیل بی دردان نیوندد. دانشجو باید در برابر دردهای جامعه، برای همیشه حساس بماند. وای به حال جامعه ای که گروه ممتازش به گروه بی درک تبدیل شوند.

ارزش ها در نگاه شهید بهشتی، انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۳، صص ۸۵ و ۸۶.



# روز دانشجو گرامی باد!



جهت پرداخت هزینه نشریه،  
رمزیه را اسکن کنید.



جهت دریافت نسخه  
PDF نشریه، رمزیه را  
اسکن کنید.

**صاحب امتیاز:** بسپج دانشجویی دانشگاه صنعتی سهند تبریز

**مدیر مسئول:** مهدی زارع

**سر دبیر:** تحت نظر شورای سردبیری (امیررضا بوداقلو، مرتضی حسنی، سید حسین موسویان)

**هیئت تحریریه:** صادق خسروی، علی جهان محمدی، علی سنبلی، امیرحسین فیضی، سید امیر ایروانی، سهند خرسندی، کمیل نادری، مهدی زارع، یاسر سالک‌نیا

**طراحی و صفحه آرایی:** مرتضی حق شناس

**ویراستار:** مرتضی حسنی

**مدیر اجرایی:** احسان پورمحمد وفا



از آنچه رفت در این سالها روشن شد که چقدر می شود یک جماعت به معنای متقن مفهوم «سطحی نگر» و «کم تخصص»، در میان مجلسی ها و دولتی ها، آبرو و حیثیت هشتاد میلیون نفر را به خاک بمانند. تصمیمات دم دمی سطحی و عوامانه و رویکردهای منسوخ و تنش زا در اجرای قوانین و مصوبات، بعضاً این هجمه را به افکار می کشاند که گویا عمدی در کار هست! آنقدر گفته ایم و شنیده ایم که دیگر استفاده بعضی کلیدواژه ها لوث شده است. گاهاً خجالت زده هم میشویم. چه کنیم؟ چاره چیست؟ باز هم از شفافیت بگوییم؟ یا از FATF؟ از پیامکهای واریز نقدی هنگام تصویب قوانین بگوییم یا خواب رفتن نمایندگان زحمت کش در صحن علنی؟! نماینده ی یک منطقه یعنی آبروی آنجا؛ یعنی واقعا «نماینده» ی آن آبادی. وقتی نماینده ای اختلاسگر از آب در می آید، نگاه که به سابقه اش می کنیم، هزار سوراخ و حفره در آن می یابیم که همین ها موقع انتخابات هم بود! اما چرا آن موقع شاخکهایمان تیز نشده بود و غافل بودیم، خدا می داند. با کمی سبک سنگین کردن سابقه ی فرد مشخص می شود که برای باند بازی و رانتخواری به مجلس می رود یا خدمت و ادای دین آرای ملت! کار نماینده را که ندانیم و ندانانیم همین می شود!

دم خروسی که این بار مثل خرطوم فیل جلوه گر است، دلواپسی مجدد از فضای انتخاباتی پیش رو را حاصل می کند. دلواپسی از این که عمده ی نفرات متوالی برگزاری انتخابات در مناطق مختلف کشور، گرایشات سیاسی دارند. به دور از منش و منطق سیاه نمایی که در قاموس ما نمی گنجد، اینجا همان بزنگاه حیاتی سیاسی ای است که گمان می رود به «میدان جدال و قتال جریانها» مبدل شود.

دم خروسی که این بار مثل خرطوم فیل جلوه گر است، دلواپسی مجدد از فضای انتخاباتی پیش رو را حاصل می کند. دلواپسی از این که عمده ی نفرات متوالی برگزاری انتخابات در مناطق مختلف کشور، گرایشات سیاسی دارند. به دور از منش و منطق سیاه نمایی که در قاموس ما نمی گنجد، اینجا همان بزنگاه حیاتی سیاسی ای است که گمان می رود به «میدان جدال و قتال جریانها» مبدل شود.



- آقا یکی به جبرئیل بگه اگه کولر رو نمیزی لااقل به خدا بگو در غرشو باز کنه یگم باد بیاد. داریم هلاک میشیم. سگ رو با نانچیکو لت و پار کنی، توی خرماپزون این محل، تن زیر دوش آفتاب نمیره؛ اونوقت ما داریم با این وضعیت یه قل دوقل میزنیم! - غر زنن دیگه اینقدر. - دیگه از غر زدن گذشته. دارم غل غل میکنم توو این هوا... هوا نیست که؛ مایکروفره! - نه بابا اینجوری نیست هوای اینجا حاجی. نمیدونم چرا وقتی بچه ها رسیدن یهو همه ی ابرا گرخیدن و الفرار! گروه پیشتاز که رسیدن هوا عالی بود، قسمته؛ باهاش کنار بیا... - شانس مزخرف ماست دیگه! سیاهه تا میاد یه کاری کنه از زمین و زمون بهش می باره! - توکلت به خدا باشه داداش. مثل اینکه از همین اول کار خدا داره امتحاناتشو میگیره. بالاخره جهادیه و آفتاب پز شدن هاش! نبینم جا زدی خوشگل واغلان!! - بینیم باووو. حقیر و جا زدن؟! عمراً. فقط یگم... - غمت نباشه. توکل کن برادر. خاطره میشه. - والا چی بگم؟ بیخیال... توپ کجاست؟ - هان؟؟ توپ؟ توپ میخوای چیکار نادون؟ بری بازی؟ - ای خدا بگم چیکارت نکنه...

مگر چند بار و در چند کلیپ و گزارش، وظایف نمایندگان مجلس را توضیح داده اند؟! چرا یک برنامه دیده نمیشود که ضمن دارا بودن جذابیت های لازم، به مردم بگوید که نماینده ی شما باید این مشخصات را داشته باشد؛ باید اندک تحلیلی داشته باشد؛ باید شبکه ای نخبگانی از المانهای کف حوزه ی انتخابیه را بصورت مویرگی جمع کرده و از آن یک «ید واحد» برای تصمیم گیری کلان ایجاد کند؛ شاخص را که دست مردم داد، نقش و مسیر سبز خود را پیدا خواهند کرد. الغرض؛ به لغله گرفته ایم که دانشجو مودن جامعه است، اما گاهاً در وقت درست اذان شک داریم، اصلا اذان گفتن را هم شاید هنوز نمی دانیم! زمان زمان روشنگری است؛ این را خوب باشد، حجت را بر کنیز اطراف تمام کرده ایم. روزگار هر چقدر بر ما تنگ بگیرد، به وضوح و تحقیق تکلیفمان را زمین نخواهیم گذاشت. ا... اکبر؛ خدا (از هرآنچه که فکرش را بکنید) بزرگتر است.



-سلام پسر، ساعت ها راه اومدم تا جناب دکتر رو ببینم. -سلام پدر، ولی اسم شما تو لیست ملاقات هفتگی نیست، متأسفم. -قلب من ضعیفه پسر، از کار افتاده ام حقوقی ام جز بیارانه ۴۵ هزار تومنی ندارم، به خدای احد و واحد بعد از اوس کریم امیدم به شما هاست، آقای دکتر نماینده شهر ماست، اگه مشکلاتمو به ایشون نگم به کی بگم؟؟ تو نماز جمعه هم که حرف میزنی، سریع میگیرنتو می برنت اونجا که عرب نی میندازه. پس باید چیکار کنم من؟ ای خدا! منو بکش راحت شم. آنچه خواندید داستانی بر اساس واقعیت های زندگی پیرمردی ۸۰ ساله است. به راستی موکل، نامحرم است؟؟ نماینده مجلس کیست؟؟ برای استحضال جواب کافایت گذری داشته باشیم بر ساختمان مجلس شورای اسلامی. کم تر نماینده ای وارد مجلس شورای اسلامی می شود و خود را در حزب های سیاسی دخیل نمی داند. دوگانه ای که همچون ویروس بر جان ملت افتاده است و مردم درحال گذرکردن از دوران نقاهت و پیشروی به سمت بهبود هر چه سریع تر هستند ولی هنوز که هنوز است مجلس و نمایندگان آن خود را بیمار این ویروس ساخته اند. شیفتگی که مجلس را به مرکز بیماری مبدل گردانده است. و اما حرف دل... باید عرض کنم که آقای وکیل، درد مردم شهر چیز دیگری است. آنها به دنبال فقر و غنا هستند در پی عدالت. عدالتی که خود وعده آن را به مردم شهر داده بودید و اکنون درگیر حزب شده اید. راستی زمان انتخابات نیز راجع به شفافیت سخن می گفتید. پس چه شد شفافیت؟؟ شفافیتی که کشورهای فقیر آفریقایی از آن برخوردار هستند و ما هنوز از آن بی بهره ایم. سه سال و اندی از نمایندگی شما میگذرد و معلوم نیست که این برج را چطور برای خود دست و پا کرده اید. دکتری که مردم شهر می شناختند و به او رای دادند فردی بود از جنس مردم. تا آنجا که مردم می گفتند حتی برای مخارج تحصیلش در دوران دانشگاه، شب ها کار می کرد و اکنون پس از سه سال و اندی دارای ثروت عظیمی است. برای مردم سوال است حقوق نمایندگان چقدر است؟؟ از قول امام(ره) مجلس عصاره ی فضایل ملت است نه عصاره ی بعضی خصلتها! مجلس نباید نماد تردید باشد، نباید نماد خودکم بینی بزرگتر است.



همه چی از یه کباب شروع شد...اگر بخواهیم گذری مختصر داشته باشیم بر وضعیت امروز کشور و نقاط منفی را واکاوی کنیم؛ باید از بیکاری، تبعیض، فقر و دردهای معیشتی مردم و چندین و چند مسئله ی دیگر بگوییم اقا در این نوشته میخواهیم به یک مسئله عمیق تر بپردازیم و آن اینکه مشکل را از کجا حل کنیم؟! اگر از مقصر بپرسیم بی شک پاسخ ها [اگر منصفانه و خیرخواهانه باشد] همگی به بی کفایتی مسئولین امر و خواب بودن نمایندگان مجلس [که کاش خواب باشند فقط]

می‌رسیم منتهی در هیچ کدام از اشارات به آن سه انگشتی که به سوی خودمان است نگاهی نداشته ایم و گاهها هم اگر به آن بپردازیم با هزاران توجه از قبیل: بابا مگه دسته مائه، خودشون انتخاب میکنن، همشون دستشون تو یه کاسه‌س،انتخاب بین بد و بدتر بود، لااقل این به فکر خوشی ما بود، مگه میذارن آدم دستش برسه به اون بالاها و... رو به رو می‌شویم. دو بند بی‌تعارف: حال از ریاست جمهوری و شورای شهر بگذریم و کمی مجلس را دریابیم؛ از قانونگذاری بگیرد تا تایید وزرا و در نهایت استیضاح رئیس جمهور با ۲۹۰ کرسی، همه و همه به دست مردم آکنده می شود این بدان معنی است که مجلس اگر مجلس باشد هم تعیین تکلیف درست برای مملکت می‌کند(قانون درست وضع می کند)، هم مجری آن را انتخاب و تایید می‌کند(تایید وزرا) و هم بر اجرای آن می‌تواند نظارت داشته باشد و در صورت نارضایتی مجری آن را برکنار نماید (پرسش و استیضاح). پس گفتار مجلس در راس امور است، تنها یک شعار نیست. این نوشته به غایت خواهد رسید اگر خواننده تنها ۵ دقیقه به معیارهای رایج خود

باشد، نباید نماد یأس یا عدم مبالات به مسائل کشور باشد. حال موسم شفافیت فرا رسیده است. شفافیتی که عصاره مطالبات برخاسته از درد مستضعفینی است که خدا بر آنها منت نهاده و پیشوایان و وارثین زمین قرار داده است. درشرایط فعلی باید از هرگونه جناح بندی سیاسی

و اطرافیانمان در انتخاب اشخاص برای این کرسی ها که تاکنون بوده است بیندیشد. آری، کباب بلای جانمان شده است، گاهی برای یک عده یک پرس کباب، کباب است، برای عده ای دیگر نیز هم قوم بودن یا هم محله بودن یا فامیل بودن، کباب است و برای عده ای وعده های کوچک مانند آسفالت کردن محله ای و تاسیس یک پارک ، کباب است و برای عده ای نیز که قشر آکادمیک و تحصیل کرده ما را شامل می‌شود گاهاً شور آزادی بی معنا و کنسرت و دیوار نکشیدن، کباب است. درنهایت می‌توان

**آری، کباب، بلای جانمان شده است. گاهی برای یک عده یک پرس کباب، کباب است، برای عده ای دیگر نیز هم قوم بودن یا هم محله بودن یا فامیل بودن کباب است!**

گفت که باید بدانیم نماینده ای که از شهر و دیار ما می‌رود و بر کرسی مجلس می‌نشیند نماینده شهر ماست اما برای کشور تصمیم می‌گیرد و برای کشور تصمیم ساز است، و باید در اولویت ها و معیارهای رأی دادنمان دقت و گاهاً تجدید نظر کنیم. اولویت، مسئله ای است که باید جدی گرفت. آری آسفالت کردن محله هم مطالبه است، کنسرت گذاشتن در شهر هم مطالبه است، در مقابل شغل جوانان، عدم تبعیض فقیر و غنی، توجه به نوع زندگی کاندیدا (بعد از انتخاب هم باز در پایین شهر زندگی می کند؟)، سابقه و پیشینه او در منصب های گوناگون و برنامه هایش برای آینده نیز مطالبه است. اما به راستی کدام اولویت است؟ این کارها سبب می‌شود به شعارهای گاهاً تخیلی او پی بریم. برای دانشجو داشتن شغل مهم تر است یا کنسرت؟ برای فرزند شما دو کلاس درس اضافه شدن به مدرسه محل زندگی تان مهم تر است یا تعیین و تصویب محتوایی که قرار است ذهن و شخصیت فرزند شما را شکل دهد؟ تصور آینده این تغییر، باشما؟! گذر کرد، پای در راه اراده خویش نهاد و به دوگانه ای رسید که عامل پیشرفت را به ارمغان می آورد. فقر و غنا، دوگانه فرهنگی که عدالت و در پی آن در مجلس شورای اسلامی، شفافیت را در پی دارد.



به واکنش هایمان هنگام درز کردن عکس جدید از به خواب رفتن نماینده های محترم مجلسمون توجه کردید؟! آناً یک لبخند می آید روی لبمان که در حد همان آن؛ تبدیل به جبهه گیری، انتقاد عملکرد و... تبدیل می شود بعید نیست ناسزای کش داری هم از زیر زبانمان به بیرون بپرد...

اما به راستی نماینده به خواب رفته یا ما خود را به خواب زده ایم؟ از نماینده ای که با وعده ی احداث سالن ورزشی و آسفالتنه کردن خیابان، ایجاد پارک بانوان، به عرصه ی انتخابات آمده و اسناد رانت عمه ی پدر زن یک رقیب و هویت غیر ایرانی مرکب رقیب دیگر را برای کنار زدن آنها استفاده می کند. البته خدا را شکر که وعده جداشدن شهر از شهرستان و اخذ فرمانداری هنوز هم رأی زیادی دارد و روی رأی آن هم طمع کرده. انتظار بیشتری جز خواب می رود؟

ولی الحق والانصاف کدام یک از موارد فوق وظیفه اصلی یک نماینده ی مجلس شورای اسلامی است؟؟ البته پیگیری مشکلات مردم از وظایف این قشر خدوم است ولی فقط در حد آسفالت جاده ؛ در بحث حقوق ملت در مسائل ملی و بین المللی حرفی برای گفتن ندارند و تا حرف از مسئله مالیات بر خانه های خالی ، شفافیت آرای و پول شویی می شود باقدرت موضع مخالف می گیرد و ساعت ها نطق میکند (بنده هم اگر آن مجتمعه مسکونی را صاحب بودم و گردش مالی میلیاردی داشتم مخالفت می کردم...)

هیئات... نماینده ای که باید صدایش گرفته از فریاد مطالبه گری برای مردم باشد وحتى کوتاه کند از خواب شبانه روزش... و خود را وقف مشکلات مردم، قانون گذاری صحیح و نظارت بر حسن اجرای قوانین کند؛ در بهارستان خرناسه می کشد و...

بد تر از آن من و تو هم خود را به خواب زده ایم...



مجلس در راس امور است...

جمله ای که شاید همه شنیده آید. طبیعتاً فهم بهتر این جمله از مجرای آشنایی با صاحب جمله حاصل می شود و با شناخت دغدغه آن شخص است که موضوع برایمان روشن می شود. در سالهای قبل از انقلاب مساله اصلی بسیاری از اندیشمندان اسلامی متوجه این بود که مردم را از اسلام حداقلی، که هیچ وظیفه ای جز انجام برخی واجبات از جمله نماز، روزه، حج و... و همچنین ترک برخی محرمات نداشت، برهانند و اسلام ناب و حقیقی که مبتنی بر آیه قرآن؛ «پیامبران نیامدند جز برای اینکه مردم قسط و عدل را به پا دارند» است را به مردم بشناسانند. در این نوع نگاه به اسلام، چیزی که حائز اهمیت است این است که چون خدا جهان را خلق کرده خودش نیز قوانین آن را وضع کرده است پس دیگر نمی شود مؤمن بعبض و یکفراً بعضی بود و مذبذبانه قوانین خدا را در حیطه خاصی نادیده گرفت و مثلاً ذیل سلطه تمدن غرب یا هر طاغوت دیگری رفت و هژمونی آن را مستولی کرد. واضحاً چنین شخصی خدا و دین خدا را در آن حیطه ناتوان می داند که در مقابل غیر خدا کرنش می کند، مگر شرک جز این است؟

در صحیفه امام خمینی، بیانات مقام معظم رهبری و آثار شهید مطهری و سایر اندیشمندان مکرراً اهمیت شناخت و البته اجرای تمام و کمال اسلام با همه ی اجزا و ابعاد ذکر شده است. حال مشخص می شود که وقتی شخص پیر خمین میگوید مجلس در رأس امور است یعنی ای نماینده ی مجلس وقتی می خواهی نامزد انتخابات بشوی توجه داشته باش که وظیفه تو این است که با کار کارشناسی و اولویت سنجی مبتنی بر جهان بینی اسلامی برای دستگاه اجرایی و قضائی کشور تصمیم سازی کنی و با رجحان بخشی منافع ملی بر تمایلات شخصی ات، نفس اماره ات را با تقوای الهی ذبح کنی، نه اینکه همیشه پوشالی غرب چشمانت را بگیرد و تمام همّ و غمت این باشد که لوابح سازمان ملل و بیگانگان را تصویب بکنی و وقتی امثال موگرینی ها را می بینی دهانت تا بناگوش باز شود و حیثیت کشور را فدای سلفی گرفتن با او کنی!



ما برای تحقق یافتن امر مبارزه با فساد در جمهوری اسلامی باید از یقه گیری فرد به فرد مفسدین بگذریم. تا کی میخواهیم یقه ی تک تک زمین خواران و اختلاس گران و تیشبه به اموال بیت المال زندگان، بعد از این که هر غلطی کردند و آسیب خود را زدند بگیریم. به راستی مگر دستگاه قضای ما با این بوروکراسی موجود و ساز و کارهای پیچیده ی قضایی به پرونده ی چندین نفر از این ها میتواند به درستی رسیدگی کند؟ حالا بگیریم که قاضی فاسد هم در این دستگاه وجود نداشته باشد که یک نفر هم بخواهد بر روی این ها نظارت کند.

طبق شاخص ادراک فساد که نشان دهنده میزان فساد است که مردم در جامعه احساس می کنند، ایران در بین ۱۸۰کشور جهان، رتبه ۱۳۰ را در اختیار دارد. این یعنی وضعیت کشور از ۱۲۹ کشور دیگر دنیا از این نظر بدتر است، یعنی جایگاهی کمتر از کشورهای میانمار و گامبیا و پایین تر از کشورهای مالی، لیبریا، جیبوتی، گابون، مالدیو.

در امر مبارزه با اژدهای بی شاخ و دم فساد باید به اصلاح ساختارها برسیم، یعنی ساز و کار هایی در مدیریت کشور ایجاد شود که زمینه ی وقوع فساد را به حداقل برساند. یکی از این ساختارها ایجاد بستری برای قانون سوت زنی است.

نقش آفرینی مردم در دوران های مختلف همواره راهگشای بسیاری از معضلات پیش آمده برای حاکمیت بوده است که جنگ تحمیلی هشت ساله و موفقیت در آن مصداق روشنی از این دستاورد است. قانون سوت زنی نیز میتواند به نمونه ای از پای کار آوردن مردم برای مبارزه با غول بی شاخ و دم دم فساد در کشور مبدل شود.

مطابق این قانون هر کس در درون هر سازمان، تخلفات آن را افشا کند پاداش دریافت می کند. این تخلفات میتواند شامل

انواع رفتارهای غیرقانونی و غیر اخلاقی مدیران از قبیل رانت و تقلب و عرضه ی محصول بی کیفیت و همه ی چیزهایی که می توان آنرا جرم تلقی کرد، شود. همچنین دولت تضمین می دهد که حمایت های امنیتی و حقوقی لازم در مورد افشاکندگن فساد را انجام دهد.

زیرساخت های این قانون در کشور های مختلف دنیا ایجاد شده است و جالب است بدانید که افشاکندگن فساد در کشور آمریکا از ۳۰ سال گذشته تا کنون نزدیک به ۵ میلیارد دلار پاداش گرفته اند. یکی از مشهورترین موارد

**در امر مبارزه با اژدهای بی شاخ و دم فساد باید به اصلاح ساختارها برسیم. یکی از این ساختارها ایجاد بستر برای قانون سوت زنی است.**

سوت زنی در دنیا، سورت زنی بریدلی بیرکنفلد است؛ او با دریافت جایزه ۱۰۴ میلیون دلاری در سال ۲۰۱۲، به ثروتمندترین سوت زن تاریخ تا آن زمان تبدیل شد. ماجرا از این قرار بود که بیرکنفلد، کارمند بانک سوئیس UBS، توانست اطلاعات مفیدی را درباره نحوه کمک این بانک به ثروتمندان آمریکایی، برای دور زدن نظام مالیاتی آمریکا افشا کند. نظام مالیاتی آمریکا نیز با جریمه بانک سوئیس، ۷۸۰ میلیون دلار درآمد کسب کرد، که با این حساب کمتر از ۱۵ درصد از درآمدش یعنی معادل ۱۰۴ میلیون دلار را به بیرکنفلد به عنوان پاداش اهدا کرد.

متأسفانه در کشور ما کار به طرز شگفت آوری برعکس است و بعضاً حتی جای مفسد و افشاگر عوض می شود. یاشار سلطانی که افشا کننده ی املاک نجومی در شهرداری تهران بود، خود متهم و دادگاهی شد. میلاد گودرزی که تخلفات شبنم نعمت زاده دختر وزیر سابق را افشا کرد هم به ۶



ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. این ها همه مشتی است نمونه ی خروار.

متأسفانه بعضاً دیده می شود که فهم نادرست از برخی مفاهیم دینی باعث ابتر ماندن بعضی پیشرفت ها در حوزه ی مبارزه با فساد می شود به عنوان نمونه گاهی ملاحظه می شود که گزارش دهی تخلفات، خیرچینی تلقی شده و حتی گاهی فرد افشاگر را خائن به مدیر و سازمانش معرفی می کنند. این نوع رفتار در کنار برچسب زدن های غیراخلاقی یک مانع جدی در گسترش نظارت مردمی است. این در حالی است که اگر دقیق تر به ماهیت این عمل توجه کنیم، افشاگری چیزی جز نهی از منکر عملی نیست. فرض کنید که در اداره یا سازمانی مثل دریافت رشوه رخ می دهد و تذکر لسانی در این باره افاقه نمی کند؛ در این شرایط آیا گزارش این تخلف و منکر بزرگ، چیزی غیر از نهی از منکر عملی است؟ واقعیت این است که باید قالب های فرهنگی و اجتماعی کهنه ی ناکارآمد را که نه با شرع و نه با حقوق شهروندی تطابق دارد را در هم شکست تا ابزارهای کارآمد مبارزه با فساد چون سوت زنی، توسعه یابد و مردم از مزایای آن بهره مند شوند.

در حمایت از سوت زنی عمومی، کافی است به مفهوم این حدیث شریف توجه کنیم: «کلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیتة».

به امید ساختن ایرانی عاری از فساد و فقر و تبعیض...



Ehsan vafa @VafaEhsan



به نظرم نگاه طنز به ماجرای #بنزین-۳۰۰۰ تومانی تا به جایی درسته. کاش به فکر یک عکس العمل مناسب باشیم. #فتنه\_بنزین گویا آب گل آلودی است برای بسیاری از صیادان ماهر داخلی و خارجی. مراقب باشیم. «اللهم اجعل عاقبت امورنا خیرا»



(: ساده تن @bashinadolani



فردا مصاحبه میکنه میگه تو جلسه سران قوا من کلاً ساکت بودم. رئیس و لاریجانی گفت گرون شه منم زورم نرسید بهشون.

#روحانی#بنزین-۳۰۰۰ تومانی



میم مثل مهدی @gordan118



مادرم گفت که عاشق نشوی، گفتم چشم چشم های تو مرا بی خبر از چشمم کرد #شیفت\_شب #عاشقانه



یاسر سالک نیا @yaser\_saleknia



روحانی حقوق هنرمندان برای هوچی گری های سال ۹۶ را پرداخت کرد.

#علی-برکت-الله

# داد علیه بیداد!!

کمیل نادری

## چند می گیری سوال نکنی؟

در چندین سال گذشته هر گاه نمایندگان مجلس قصد سوال از برخی وزرا یا رئیس جمهور را داشته اند و حتی امضا هم کرده بودند ، برخی نمایندگان ناگهان پس از چند روز امضای خود را پس گرفته و از طرح سوال یا استیضاح منصرف می شدند، حجت الاسلام ذوالنور نماینده‌ی مردم قم در این باره توضیح می دهد :

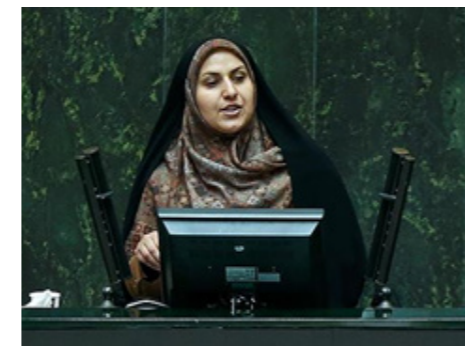
«نمایندگان را تحت فشار قرار می دهند ، به نماینده ی یکی از شهر های اصفهان گفتم شما مگر تعهد ندادید که سواتان از رئیس جمهور را پس نگیرید ؟ جواب داد : به خاطر مشکلات مردم شهرم رفتم خدمت یکی از معاونان رئیس جمهور ، به من گفت برو بودجه ی آن را از آقای ذوالنور بگیر که طرح سوال او را امضا کردی ... به نماینده یکی از شهر های جنوبی کشور گفتم مگر شما قول ندادید سؤالتان را پس نگیرید جواب داد : مدت ها بود می خواستم فرماندار شهر را عوض کنم اما نمی گذاشتند ، استاندار با من تماس گرفت گفت امضایت را پس بگیر تا یک روزه فرماندار را عوض کنم ... به نماینده یکی از استان های شمالغرب کشور گفتم شما چرا امضای خود را پس گرفتید ؟ جواب داد : بودجه ی یکی از اتوبان های در حال ساخت را قطع کردند، مجبور شدم پس بگیرم ...»



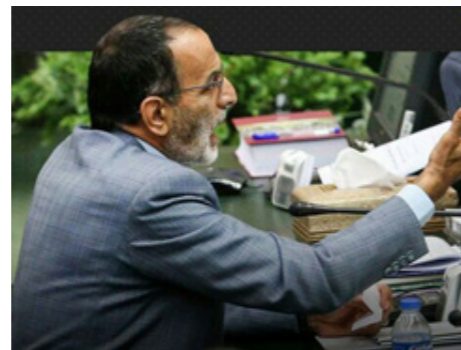
## مردم از ایستادگی دو گروه چپ و راست مقابل هم خسته شدند.

خانم محمودی نماینده ی مردم شهرضا و دهقان در تاریخ یک بهمن ماه سال گذشته در صحن علنی مجلس گفت : نمایندگان مردم در مجلس، روسای قوای سه گانه ، کارگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حتماً به خاطر دارید امام(ره) فرمود«سیاست ما همیشه بر مبنای آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی کنیم» و قطعاً به خاطر دارید که امام فرمود «در ایران اسلامی مردم تصمیم گیران نهایی تمامی مسائل هستند». به خدا قسم مردم خسته اند از این کش مکش‌های بی اساس و ناشایست سیاسی که در نهایت به منافع برخی از افراد و گروه ها ختم می شود. خواهان و برادران عزیز آنچه امروز به تداوم این انقلاب بی بدیل کمک می کند وحدت و همدلی است. همه میدانیم، دشمنان نادانی امثال ترامپ و نتانیاهو در آمریکا و اسرائیل سالهاست عزت و آبروی این مردم را نشانه رفته اند که به فرموده ی امام و رهبری هیچ غلطی نتوانسته و نمی توانند بکنند. غافل از اینکه امروز اقشار مختلفی از مردم با مشکلات معیشتی دست و پنجه نرم می کنند لذا نباید فراموش کنیم که دستاوردهای چهل ساله این انقلاب نتیجه ایستادگی و همراهی همین مردم بوده و کاستی ها و مشکلات مردم نتیجه ضعف عملکرد، استفاده از افراد ناشایست در پست‌های مدیریتی، عدم برخورد با فساد اداری و اقتصادی و درگیرهای سیاسی و روزمرگی ما مسئولین است.

این نماینده مردم در مجلس دهم خطاب به رئیس جمهور، گفت: آقای روحانی بر خلاف انتظار، سیاستهای دولت شما به نفع ثروتمندان جامعه بود و افراد ضعیف و اقشار متوسط مردم هر روز ضعیف تر می شوند. جناب آقای رئیس جمهور دستاوردهای دولت شما را انکار نمی کنیم، اما مشکلات تولیدکنندگان، کارگران، کشاورزان، معلمان، رانندگان، بازنشستگان و بیکاری جوانان هم قابل انکار نیست.



## خواسته ی دشمن از گلو ی خودی ها بیرون می آید!



نظام استکبار که ۴۱ سال است به دلیل سد بزرگ و مستحکمی به نام جمهوری اسلامی ایران در رسیدن به اهداف خود در راستای غارت منافع مردم خاورمیانه و تسلط بر آنان ناکام مانده، همیشه به دنبال تضعیف و براندازی از طریق فشار برای تصویب یک سری قوانین در ایران بوده است. متأسفانه گاهی اوقات برخی از مسئولان کشور نیز با آنان همصدا شده و خواسته یا ناخواسته موجبات فرو رفتن کشور در باتلاق را فراهم می کنند. به دو نمونه از این موارد اشاره می کنیم :

۱- در تاریخ سیزدهم شهریور ماه سال گذشته ، یکی از نمایندگان مردم تهران در مجلس و عضو فراکسیون امید ، پشت تریبون مجلس رفته و به جای بیان درد ها و مشکلات مردم و ارائه راه حل برای مشکلاتی نظیر بیکاری، رکود اقتصادی، محیط زیست، عدم ثبات بازار، غارت منافع ملی در قلمبه خصوصی سازی ها و ... ، یا حداقل برای عذر خواهی از مردم به خاطر حمایت خود از دولت ناکارآمد آقای روحانی ، پیشنهاد کرد: "تهادهای نظامی به پادگان‌ها برگشته و به وظایف ذاتی خود بپردازند تا اقتصاد و فرهنگ سامان بگیرد." اقا گویا ایشان فراموش کرده اند که دولت مورد حمایت ایشان حتی از تهیه ی

پوشک مردم هم عاجز است ، یا شاید هم به دلیل پیشبرد اهداف سیاسی و انتخاباتی خود ، از روی عمد مردم بیچاره را تحت فشار می گذارد تا بین موشک یا پوشک یکی را انتخاب کنند . اما واقعیت اینست که طبق اصل ۱۴۷ قانون اساسی ، دولت در زمان صلح باید از امکانات نیرو های مسلح در جهت سازندگی و آبادانی کشور بهره برداری کند . نیرو های مسلح نه در عرصه اقتصادی ، بلکه در عرصه سازندگی و عمرانی کشور فعال بوده ، بطوری که پروژه های بزرگی نظیر زیرگذر ها و اتوبان های پایتخت و پالایشگاه خلیج فارس که نه تنها دولت، بلکه هیچ شرکت خصوصی توان انجام ان را نداشتند ، توسط جوان های تحصیل کرده داخل کشور و حمایت نیرو های مسلح آماده بهره برداری گردیدند.

۲- آقای کریمی قدوسی نماینده مردم مشهد و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ، با افشای نامه ای از رئیس جمهور که در تاریخ ۱۰/۲۳ برای رئیس ستاد کل نیرو های مسلح سردار باقری نوشته است ، اعلام کرد که آقای روحانی در این نامه نوشته است " همه ی کشور های دنیا یک ارتش دارند ما دو تا ، من نمیتوانم به دو ارتش بودجه بدهم ، سپاه پاسداران باید منحل بشود چون بودجه را صرف تخریب دولت می کند ." بر کسی پوشیده نیست که اگر جوانان رشید و غیرتمند این کشور با عوامل استکبار نظیر گروه های تروریستی همچون داعش نمی جنگیدند ، یا اگر توان بازدارندگی به خصوص صنعت موشکی نداشتیم ، آیا باز هم امنیت بدین صورت می بود ؟ تعجبی ندارد که حالا که استکبار در برابر ایستادگی جوانان انقلابی به حد استیصال رسیده است ، به هر لطایف الحیلی سعی در نجات خود از طریق چنین اقداماتی داشته باشد . برخی از نظرات کاربران در رابطه با نطق نماینده لیست امید در صحن مجلس را می بینید:

